

رادیو

و توسعه روستایی



✦ مسعود سلیمانی

کارشناس ارشد جامعه‌شناسی توسعه

چکیده

گسترش فناوری‌های ارتباطات و اطلاعات و نفوذ آن در کشورهای جنوب و کشورهای در حال توسعه همراه با نقش بی‌بدیل آن در فرایند توسعه، ضرورت بازنگری در مفاهیم آن را مطرح ساخته است. در همین راستا به بررسی کاربرد رادیو در فرایند توسعه روستایی خواهیم پرداخت.

در ابتدا، با بررسی تعاریف توسعه از نگاه رویکردهای مختلف جامعه‌شناسی و مقایسه آنها، اهمیت فرد و آگاهی فردی در دیدگاه‌های مختلف مورد بحث قرار می‌گیرد و به نقش رسانه‌های جمعی در ایجاد این آگاهی توجه می‌شود. سپس امتداد آن در توسعه روستایی بررسی شده، با ذکر شمایی از ویژگی‌های جامعه روستایی در ایران به اهمیت اختصاصی رادیو به عنوان کارترین وسیله ارتباط جمعی در بسترسازی توسعه در محیط روستایی پرداخته می‌شود. در نهایت نشان می‌دهیم که با توجه به پراکندگی جمعیت روستایی و میزان بی‌سوادی و کم‌سوادی در این بخش از جامعه ایرانی، رادیو به عنوان بهترین ابزار ارتباطی با ایشان می‌تواند نقشی قابل توجه در تغییر نگرش آنها در جهت توسعه همه‌جانبه بر عهده گیرد.

دیدگاه‌های توسعه

جامعه‌شناسی تا دوره جنگ جهانی دوم توجه ناچیزی به مطالعه جوامع و کشورهای جهان سوم و در حال توسعه داشت. زمانی که جامعه‌شناسی توجه خود را به مسائل توسعه‌نیافتگی معطوف کرد، عقیده بسیاری از پژوهشگران بر این بود که ملت‌های جدید باید همان راه کشورهای اروپای غربی را طی کنند. بنابراین تعجبی ندارد که این امر به تجدید علاقه اندیشمندان علوم اجتماعی به مسائل مربوط به تکامل اجتماعی و مطالعه روندهای توسعه‌یافتگی بینجامد که نخستین بار از سوی نویسندگانی چون اسپنسر، تیور، مورگان، دورکیم و مارکس عنوان شده بود.

از این رو، نظریاتی که در باب تبیین مرحله گذر از جامعه سنتی به مدرن در کشورهای اروپایی اشاعه یافته بود، از سوی محققان با تغییرات مختصری برای مطالعه کشورهای افریقایی، آسیایی و آمریکای لاتین عرضه شد. بیشتر نویسندگان معاصر در یکی از این اردوگاه‌های نظری که گاهی حتی مغایر با یکدیگر هستند، قرار گرفتند. دسته‌ای از نظریه‌نوسازی تکاملیون جدید حمایت می‌کردند و گروهی دیگر از سمت‌گیری‌های مارکسیستی طرفداری می‌کنند (از کیا، ۱۳۷۴: ۱۸). در ادامه به برخی از تعاریف توسعه اشاره می‌شود.

مایکل تودارو معتقد است که توسعه را باید جریان‌ی چندبعدی دانست که مستلزم تغییرات اساسی در ساخت اجتماعی، طرز تلقی عامه مردم و نهادهای محلی، و نیز تسریع رشد اقتصادی، کاهش نابرابری و ریشه‌کن کردن فقر مطلق است. (از کیا، ۱۳۸۱: ۸)

دادلی سیرز توسعه را جریان‌ی چندبعدی می‌داند که تجدید سازمان و سمت‌گیری‌های متفاوت کل نظام اقتصادی و اجتماعی را به همراه دارد. به عقیده وی، توسعه علاوه بر بهبود میزان تولید و درآمد شامل دگرگونی اساسی در ساخت‌های نهادی، اجتماعی، اداری و همچنین ایستارها و وجهه نظرهای مردم است. توسعه در بسیاری از موارد حتی بهبود در عادات و رسوم و عقاید مردم را نیز دربرمی‌گیرد. (از کیا و غفاری، ۱۳۸۴: ۲۵)

پیتر دونالدسن در تعریف توسعه می‌گوید: «توسعه به‌وجودآوردن تغییرات اساسی در

ساخت اجتماعی، گرایش‌ها و نهادها برای تحقق کامل هدف‌های جامعه است. در این استحاله مهم اگر توده مردم درگیر باشند، ممکن است میوه رشد فوراً نصیب آنها نشود، زیرا فرایند توسعه اغلب فرایند رنج‌آور و دشواری است. تا همه مردم به آگاهی همگانی از تغییرات و نیاز مطابقت با آن در امر توسعه مشارکت اصیل نداشته باشند، ادامه توسعه ممکن نخواهد بود. (همان)

میسرا صاحب‌نظر و محقق هندی نیز تعریفی از توسعه ارائه داده که در آن، بر ابعاد فرهنگی تأکید شده است. به نظر او، توسعه از دستاوردهای بشر و پدیده‌ای است با ابعاد مختلف. توسعه از دستاوردهای انسان محسوب می‌شود و در محتوا و نمود دارای مختصات فرهنگی است. هدف از توسعه، ایجاد زندگی پرثمری است که از سوی فرهنگ تعریف می‌شود. بدین ترتیب می‌توان گفت توسعه دستیابی فزاینده انسان به ارزش‌های فرهنگی خود است. (از کیا، ۱۳۸۱: ۹)

در برخی تعاریف، به ابعاد رفاهی و فقرزدایی توسعه توجه شده است. گو نار میردال، توسعه را فرایند دورشدن از توسعه‌نیافتگی، یعنی رهایی از فقر می‌داند.

بروکفیلد می‌گوید: فرایند عام در این زمینه آن است که توسعه را بر مبنای پیشرفت به‌سوی اهداف رفاهی نظیر کاهش فقر، بیکاری و همچنین کاهش نابرابری تعریف کنیم. (همان)

در مواردی هم توسعه به‌عنوان نوعی حرکت تاریخی و گذار از یک مرحله تاریخی به مرحله دیگر تعریف می‌شود. در این میان توسعه عبارت است از حرکت جامعه از یک مرحله تاریخی و توفیق در ورود همه‌جانبه به مرحله‌ای دیگر از تاریخ. (از کیا و غفاری، ۱۳۸۴: ۲۷)

در تعریف توسعه باید برای چند نکته اهمیت شایانی قائل شد:

- اول؛ توسعه را باید مقوله‌ای ارزشی در نظر گرفت؛

- دوم؛ آن را جریان‌ی چندبعدی و پیچیده دانست؛

- سوم؛ به ارتباط و وابستگی آن با مفهوم بهبود (improvement) توجه داشت.

نظریات انسان‌محور در توسعه

برای تحقق یافتن اهداف توسعه، انسان‌هایی موردنیازند که ذهن و نگرش آنها متحول شده باشد. اگر قرار باشد پایه‌های علمی و فنی تولید امروزی شوند، انسان‌هایی که قرار است این کار را محقق کنند، باید از وضعیت کنونی خود متحول شوند و ذهنیت مناسب داشته باشند (عظیمی، ۱۳۸۴: ۱۷۷). آموزش نیروی انسانی به دلیل آنکه ممکن است در اجتماعی‌ترشدن روابط افراد مؤثر باشد، بسیار موردتوجه است؛

به‌طوری‌که تفکر در مورد نحوه استفاده از نیروی انسانی برای پیشبرد اهداف توسعه در سال‌های اخیر به نحو چشم‌گیری دگرگون شده است (گیلس و دیگران، ۱۳۸۵: ۳۷۸). از مطرح‌ترین حوزه‌های نظری در این دیدگاه توسعه، حوزه نظریه‌های نوسازی روانی است. نظریه‌پردازان این حوزه واحد تحلیل و مطالعه خود را در سطوح میانی و به‌صورت عمده فردی قرار داده‌اند. به عبارتی دیگر، واحد تحلیل آنها، نظام‌های شخصیتی افراد در جوامع سنتی و مدرن است. نظریه‌پردازان این حوزه نقطه شروع نوسازی را در نوسازی انسان و نظام شخصیتی او می‌بینند و معتقدند که با تحقق نوسازی و نوشتن انسان، سایر جنبه‌های نوسازی؛ یعنی نوسازی اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و فرهنگی امکان ظهور می‌یابند. ایشان بر رفتارها و کنش‌های فردی و میان‌فردی در سطوح خرد و میانی متمرکز هستند (از کیا، ۱۳۸۱: ۱۰۷). در این حوزه می‌توان از صاحب‌نظرانی چون دانیل لرنر، اینگلس و اسمیت، مک کلند، هیگن و

با گذشت زمان،

جریان‌های فکری

در مورد توسعه از

توجه صرف به رشد

اقتصادی به‌تدریج به

سمت توسعه اجتماعی،

توسعه فرهنگی و

توسعه انسانی سوق

یافته است که در آن

به انسان به‌عنوان

محور توسعه نگرینسته

می‌شود.

راجرز نام برد.

تمامی این صاحب نظران بر نقش غیر قابل انکار فرد و آگاهی فردی در فرایند توسعه اذعان و از ایجاد آگاهی و آماده سازی افراد برای پذیرش فرایند توسعه به عنوان اصلی ترین عامل توسعه یاد می کنند. از جمله لرنر معتقد است یکی از مهم ترین عناصر و متغیرهایی که در ظهور تحرک ذهنی و آمادگی روانی انسان ها برای نوشتن مؤثر است، بسط و گسترش رسانه های جمعی است.

این گلس می گوید: «خصوصیت برجسته انسان نو دو جنبه دارد: یکی داخلی و دیگری خارجی، یکی به محیط وی مربوط می شود و دیگری به وجهه نظرها، ارزش ها و احساسات او» (مایرون، ۱۳۵۴: ۱۱۹). وی در ادامه در کنار عواملی چون آموزش و پرورش و... از وسایل ارتباط جمعی به عنوان یکی از پراهمیت ترین معیارها در ساخت انسان مدرن نام می برد. همچنین مک کلند که دیدگاهش در ادبیات توسعه و نوسازی بارها مورد استفاده قرار گرفته است، از عاملی با عنوان «نیاز به موفقیت» (need for achievement) یاد می کند که به کیفیت انجام کارها توسط افراد مختلف اشاره دارد. هیگن هم با اشاره به ویژگی های فردی، سعی در تبیین توسعه نیافتگی دارد.

توسعه روستایی

توسعه روستایی فرایندی چندبعدی است که موضوع آن بهبود و ارتقای کیفیت زندگی اقشار فقیر و آسیب پذیر اجتماع روستایی است. فرایندی که با بهره گیری از سازوکارهایی چون برنامه ریزی، سازمان دهی، تقویت خوداتکالی فردی و جمعی و ایجاد دگرگونی مناسب در ساختارهای ذهنی و اجتماعی روستائیان تلاش می کند که در آنها قدرت، توان و اختیار بهره گیری از قابلیت ها و منابع در اختیارشان را تقویت کند تا به واسطه آن بتوانند وضعیت موجودشان را به وضعیت مناسب و مطلوب تر تغییر دهند. (از کیا و غفاری، ۱۳۸۳: ۲۲)

پذیرش تغییرات و نوآوری در جامعه روستایی تا حد زیادی با انگیزه ها، گرایش ها، خواسته ها، آرزوها و بالاخره آگاهی اجتماعی و وسعت جهان بینی روستائیان ارتباط دارد. اگر مردم در یک جامعه برای پذیرش پدیده های جدید و نوآوری ها آمادگی لازم را نداشته باشند، ایجاد

تغییر در آن جامعه اگر با شکست مواجه نشود، لاقلاً دشواری های فراوانی خواهد داشت و پذیرش آن زمان زیادی به طول خواهد انجامید؛ بدان گونه که پدیده های جدید، خاصیت نبودن خود را از دست خواهند داد (نیک خلق، ۱۳۷۹: ۱۷۸).

اساسی ترین بحث در رشد آگاهی و آموزش، ایجاد تحول در نظام ارزشی مردم است. بدون این تحول، اصلاحات نهادی و سازمانی لازم برای توسعه راه به جایی نخواهد برد (هایامی، ۱۳۸۰: ۸۰). در ادبیات توسعه روستایی که از مکتب نوسازی سرچشمه می گیرد، اولین موضوعی که مورد تجزیه و تحلیل قرار می گیرد، نظریه موانع یا سدهای اجتماعی و فرهنگی توسعه روستایی است. با رویکردی جامعه شناختی به این می پردازند که برخی گروه های روستایی در برابر دگرگونی مقاومت می کنند و وجهه نظرهای محافظه کارانه ای به توسعه اقتصادی دارند. این دسته از جامعه شناسان پاسخ منفی دهقانان به فرصت های اقتصادی را ناشی از روحیات و نفسانیات آنها می دانند.

از میان نظریه پردازانی که در باب موانع فرهنگی و اجتماعی توسعه روستایی به بحث پرداخته اند، راجرز با طرح نظریه «خرده فرهنگ دهقانی» (sub-culture of peasantry) از اهمیتی شایان توجه برخوردار است. به این ترتیب که در جریان توسعه و دگرگونی روستاها شناخت و آگاهی از خصوصیات فرهنگی دهقانان از اهمیت بسزایی برخوردار است. وی در تشریح عناصر خرده فرهنگ دهقانی به ده عنصر اشاره می کند:

- نبود اعتماد متقابل در روابط شخصی؛
- فقدان نوآوری؛
- تقدیرگرایی؛
- پایین بودن سطح آرزوها و تمایلات؛
- فقدان توانایی چشم پوشی از منافع آنی به خاطر منافع آتی؛
- کم اهمیت بودن عامل زمان؛
- خانواده گرایی؛
- وابستگی به قدرت دولت؛
- محلی گرایی؛
- فقدان همدلی. (از کیا، ۱۳۷۴: ۵۶)

از نظر راجرز، تأثیر این عوامل در سطح فردی مانعی برای توسعه روستایی است.

توضیح مبسوط این عوامل از حوصله این بحث خارج است، اما در مجموع به ویژگی های حاکم در روستاها اشاره دارد که پذیرش هرگونه نوآوری و تغییر را با مشکل مواجه می کنند.

در تلاش برای رفع این کاستی ها و تغییر نگرش روستائیان، در کنار برخی از عوامل دیگر از تحرک جغرافیایی و استفاده از وسایل ارتباط جمعی نام برده می شود. چنانچه ویلبر شرام اشاره می کند، در جامعه سنتی وسایل ارتباط جمعی چندان گسترش نداشته و از کارایی چندان برخوردار نیستند. یک جامعه در حال نوشتن نیاز به وسایل ارتباط جمعی دارد و یکی از دلایل اساسی این مسئله آن است که روستائیان در صورت برقراری تماس با وسایل ارتباط جمعی به سوی نوسازی هدایت خواهند شد؛ زیرا محتوای اکثر برنامه ها، حتی آگهی ها، در این وسایل، ماهیت اطلاعاتی، آموزشی و تبلیغاتی داشته و برای آگاه سازی و یا ترغیب افراد درباره انواع نوسازی ها طرح ریزی شده است.

روستائیان (دهقانان) اگر در معرض وسایل ارتباط جمعی قرار بگیرند، می توانند به مشکلات انزوای خود غلبه پیدا کنند. بر اساس مطالعاتی که در این زمینه انجام گرفته است، به نظر می رسد که روستائیان از لحاظ قرار گرفتن در معرض وسایل ارتباط جمعی، در مراتب پایینی قرار دارند (همان: ۶۸). بر اساس مطالعات متعددی که درباره نقش سواد و استفاده از وسایل ارتباط جمعی در ایجاد نوسازی در میان دهقانان صورت گرفته است، سواد یکی از متغیرهای اصلی در هر نوع تلاش درازمدت به منظور ارائه عقاید نو در کشورهای در حال توسعه است؛ زیرا تا زمانی که دهقانان سواد نیاموزند، به ندرت می توانند از وسایل ارتباط جمعی چاپی سود ببرند، مگر آنکه از طریق اعضای باسواد خانواده و یا دوستان خود بتوانند عقاید نو را از طریق وسایل ارتباط جمعی چاپی به دست آورند. اینجاست که نقش وسایلی چون رادیو و تلویزیون که بهره مندی از آنها نیاز به سواد ندارد، اهمیت پیدا می کند.

نظریات وابستگی و مشتقات آن کاملاً در نقطه مقابل رویکرد نوسازی قرار دارد و عکس تصورات نوسازی که توسعه نیافتگی را به عوامل درونی جوامع مربوط می داند، عامل اصلی

توسعه نیافتگی را در شرایط بیرونی جست و جو می کند. با وجود این، اختلاف نظریات وابستگی حتی بیش از دیدگاه نوسازی بر نقش فرد و آگاهی فردی در جهت رفع وابستگی تأکید می کند و در این راستا بر نقش رسانه های جمعی توجه فراوانی دارد. امتداد اهمیت به نقش فرد در نگرش های توسعه ای تا حدی بالا رفته است که نگاه به توسعه از دید رشد اقتصادی صرف به دیدگاه توسعه اجتماعی، فرهنگی و انسانی تحول یافته است؛ نگاهی که در آن علاوه بر شاخص های اقتصادی به شاخص های صرف انسانی امید به زندگی و سطح تحصیلات هم توجه شده است.

تا اینجا به ارائه دلایل رویکردهای مختلف توسعه در اهمیت و نقش رسانه های جمعی در فرایند توسعه پرداخته شد. در ادامه به بحث در مورد وضعیت جمعیت روستایی ایران و نقش رسانه های جمعی؛ به ویژه رادیو در تأثیر گذاری بر فرایند توسعه در آن می پردازیم.

وضعیت جمعیت روستایی در ایران

حجم جمعیت روستایی کشور در دو قرن اخیر همواره رشد داشته است، ولی از نسبت و سهم آن از کل جمعیت کشور همواره کاسته شده است؛ به گونه ای که می توان گفت هر چند میزان رشد و افزایش طبیعی جمعیت در روستاها بیشتر از مناطق شهری است، اما برعکس، میزان رشد و افزایش مطلق جمعیت در مناطق شهری بیشتر از مناطق روستایی است. از طرف دیگر، اگرچه ایران به سمت صنعتی شدن گام برداشته است، اما جایگاه روستا و کارکردهای آن همچنان از اهمیت وافری برخوردار است.

جدول «۱» به خوبی نشان می دهد که هنوز بخش عمده و کارسازی از جمعیت ایران را روستایی هایی تشکیل می دهند که نوع باورهای آنها در به ثمر رسیدن فرایند توسعه از اهمیت فراوانی برخوردار است. ارزش مشارکت این گروه در توسعه روستایی حقیقتی است انکارناشدنی و ارتباطات لازم مشارکت است (قنبری، ۱۳۸۲: ۸۹). از سوی دیگر، توسعه ارتباطات و ارتباطات توسعه لازم و ملزوم یکدیگرند و تمامی این زنجیره بر اهمیت ارتباطات و اطلاعات و گستردگی نفوذ آن در فرایند توسعه صحنه می گذارد. توسعه و گسترش ارتباطات رسانه ای و فناوری های

سال	۱۳۸۰	۱۳۰۰	۱۳۱۰	۱۳۲۰	۱۳۳۰	۱۳۴۰	۱۳۵۰	۱۳۵۵
سهم (درصد)	۸۴	۷۳	۳/۷۱	۶/۷۰	۶/۶۹	۶/۶۹	۵/۶۵	۷/۵۸
سال	۱۳۵۶	۱۳۵۸	۱۳۵۹	۱۳۶۰	۱۳۶۲	۱۳۶۵	۱۳۷۰	۱۳۷۵
سهم (درصد)	۵۲	۲/۵۰	۲/۴۹	۲/۴۸	۹/۴۶	۶۷/۴۵	۴/۴۳	۳/۳۸

جدول شماره ۱- تغییرات سهم جمعیت روستایی در کل جمعیت کشور (از کیا و غفاری، ۱۳۸۳: ۶۵)

توسعه از دستاوردهای انسان محسوب می شود و در محتوا و نمود دارای مختصات فرهنگی است. هدف از توسعه، ایجاد زندگی پرثمری است که از سوی فرهنگ تعریف می شود. بدین ترتیب می توان گفت توسعه دستیابی فزاینده انسان به ارزش های فرهنگی خود است.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

خانواده سال	خانواده های بدون فرد باسواد	خانواده های با یک فرد باسواد	خانواده های با دو فرد باسواد	خانواده های با سه فرد باسواد
۱۳۳۵	۷/۸۲	۹/۱۱	۹/۲	۵/۲
۱۳۴۵	۷/۶۵	۳/۲۱	۸	۵
۱۳۵۵	۸/۴۱	۲۵	۱/۱۶	۱/۱۷
۱۳۶۵	۲/۲۵	۸/۱۹	۴/۲۰	۶/۳۴
۱۳۷۵	۱۳/۹	۱/۱۲	۹/۲۱	۸/۵۲

جدول شماره ۲- درصد تغییر سواد در خانواده های روستایی ایران طی پنج دوره سرشماری (نیک خلق، ۱۳۸۱: ۷۹)

ارتباطی و اطلاعاتی از جمله رادیو بر فرایند اجتماعی شدن جامعه تأثیر بسزایی دارد. این امر مقدمات شکل گیری و تقویت هویت های محلی و منطقه ای را به عنوان یکی از ستون های توسعه شکل می دهد (کریمی، ۱۳۸۲: ۵۱). حرکت حوزه فرستنده ها و گیرنده های امواج رادیویی و تلویزیونی به سمت دیجیتالی شدن همه روزه اوج می گیرد و نیاز به رشد قارچ گونه فرستنده های آنالوگ زمینی کاهش یافته، کاربران در کورترین نقاط به برنامه ها دسترسی می یابند. (همان)

مک کوایل، کارکرد رسانه های جمعی را در دو سطح اجتماعی و فردی بررسی می کند. وی کارکرد اجتماعی رسانه های جمعی را شامل کارکرد اطلاعاتی، همبستگی، تداوم، سرگرمی و تحرک می داند و در سطح فردی از کارکرد هویت فردی، یگانگی نقش، کنش متقابل و سرگرمی نام می برد. در حال حاضر، رادیو به عنوان فراگیرترین رسانه جمعی بخش مهمی از فضای زندگی مردم را به خود اختصاص داده است و به واسطه این نقش محوری تأثیرات فراوانی بر فرد، گروه های اجتماعی، سازمان ها و کل جامعه برجای می گذارد. رادیو به واسطه ساختار فنی متفاوتی که از دیگر رسانه های جمعی دارد، دارای ویژگی های خاصی است. این ویژگی های متفاوت بر میزان و نوع تأثیرگذاری رادیو بر مخاطبانش مؤثر است. برخی از این ویژگی ها را می توان اینچنین برشمرد:

رادیو رسانه ای است که ما نمی توانیم پیام های آن را ببینیم و تنها بر مبنای گوش عمل می کند. این پیام ها شامل صدا و سکوت هستند و از همین واقعیت منحصر به فرد رادیوست که دیگر کیفیت های منحصر به فرد آن حاصل می شود. جاذبه تخیلی بودن به رادیو مزیتی مسلم می دهد. پیام ها در رادیو اساساً از گفتار تشکیل می شوند و گفتار مانند نوشته تنها حاوی کلمات نیست و به طور پایدار حاوی کلماتی است که در قالب صداها بیان می شود. (کرایسل، ۱۳۸۰: ۱۵)

گیرنده های رادیویی، برخلاف تلویزیون کوچک تر، قابل حمل تر و از نظر قیمت ارزان تر هستند. این امر سهولت حمل و نقل و استفاده از رادیو را افزایش می دهد. - برای استفاده از رادیو برخلاف تلویزیون

و بسیاری از وسایل ارتباط جمعی دیگر، لازم نیست که فرد مخاطب در یک محل خاص باشد، بلکه شنونده می تواند در کنار فعالیت های دیگر نظیر خانه داری، رانندگی، کار در مزرعه و... به رادیو گوش فرادهد. آزادی ای که رادیو می تواند برای انجام فعالیت های دیگر حین گوش دادن به رادیو به شنونده دهد، آن را به رسانه ای عمومی تبدیل کرده است. (همان)

- از آنجا که در رادیو عنصر تصویر وجود ندارد، تهیه خبر، برنامه یا گزارش آسان تر انجام می گیرد.

- در کشور ما برد و پوشش رادیو از سایر رسانه ها بیشتر است. امواج رادیو به دورترین نقاط کشور می رسد. بنابراین قدرت بیشتری برای ارتباط با مردم در اقصی نقاط کشور و دورافتاده ترین روستاها دارد.

- در رادیو، یک رویداد خبری می تواند در مدت چند لحظه پخش شود و هنگامی که رویداد ادامه می یابد، شنونده را در جریان آخرین اطلاعات قرار دهد. رادیو به بهترین صورت همراه با رویدادهای خبری که نیاز به واکنش سریع دارند، عمل می کند.

- استفاده از رادیو برخلاف کتب و روزنامه ها نیازی به سواد ندارد، بنابراین افراد بی سواد هم می توانند به راحتی از برنامه ها و مفاهیم ارائه شده در این رسانه بهره مند شوند. در اینجا ذکر آماری از درصد باسوادی و تحولات آن در روستاهای ایران خالی از لطف نیست.

نتیجه گیری

در این نوشتار به اختصار بیان شد که در تمامی دیدگاه های توسعه، فرد و آگاهی وی از اهمیت بالایی برخوردار است و اندیشه های انسان و چگونگی شکل گیری آن بر توسعه تأثیرگذار است. از سوی دیگر، در خلال بحث بیان شد که با گذشت زمان، جریان های فکری در مورد توسعه از توجه صرف به رشد اقتصادی به تدریج به سمت توسعه اجتماعی، توسعه فرهنگی و توسعه انسانی سوق یافته است که در آن به انسان به عنوان محور توسعه نگریسته می شود. اساس این محوریت چیزی جز آگاهی آدمی نیست. یکی از مهم ترین ابزار اشاعه این آگاهی جهت فرایند توسعه، استفاده از وسایل ارتباط جمعی است. در روستاها نیز همانند شهرها نیاز به تغییر نگرش ها جهت فرایند

توسعه وجود دارد. البته به جهت دوری و فقدان برخورداری از روابط و امکانات موجود در شهر، در روستا این امر ابعاد متفاوتی می یابد. با توجه به محدودیت های موجود در روستاهای ایران از قبیل وجود بی سواد، دورافتادگی و قرار گرفتن در نقاط کور و کمبود سیستم های پیشرفته ارتباطی از نقش اساسی رادیو در پوشش دادن به بخشی از این کاستی ها در حیطه ارتباط جمعی به عنوان فراگیرترین و سودمندترین ابزار این حوزه در توسعه نام برده شد؛ چرا که رادیو با توجه به ویژگی های خاص خود از جمله سهولت در دسترسی، قابلیت استفاده در مکان های دور، بی نیازی به سواد برای استفاده و... بهترین ابزار در جهت اشاعه آگاهی های مورد نیاز توسعه در میان جمعیت پراکنده روستایی ایران با ویژگی های ذکر شده است.

منابع و مأخذ

- ازکیا، مصطفی (۱۳۶۴). **مقدمه ای بر جامعه شناسی توسعه روستایی**. تهران: اطلاعات.
- ازکیا، مصطفی (۱۳۸۱). **جامعه شناسی توسعه**. تهران: کلمه.
- ازکیا، مصطفی و غفاری، غلامرضا (۱۳۸۳). **توسعه روستایی با تأکید بر جامعه روستایی ایران**. تهران: نی.
- ازکیا، مصطفی و غفاری، غلامرضا (۱۳۸۴). **جامعه شناسی توسعه**. تهران: کیهان.
- ازکیا، مصطفی (۱۳۸۱). **جامعه شناسی توسعه و توسعه نیافتگی روستایی ایران**. تهران: اطلاعات.
- عظیمی، حسین (۱۳۸۴). **مدارهای توسعه نیافتگی در اقتصاد ایران**. تهران: نی.
- قنبری، عباس (۱۳۸۲). «جایگاه اطلاعات در برنامه های توسعه ایران». فصلنامه رسانه، سال ۱۴، شماره ۴.
- کرایسل، اندرو (۱۳۸۱). **درک رادیو**. ترجمه معصومه عصام، تهران: تحقیق و توسعه صدا.
- کریمی، محمدعلی (۱۳۸۲). «ارتباطات در برنامه سوم توسعه و چشم انداز آینده». فصلنامه رسانه، سال ۱۴، شماره ۴.
- گیلیس و دیگران (۱۳۸۵). **اقتصاد توسعه**. ترجمه تقی آزاد ارملی، تهران: نی.
- نیک خلق، علی اکبر (۱۳۷۹). **جامعه شناسی روستایی**. تهران: کلمه.
- هایامی، یوجیرو (۱۳۸۰). **اقتصاد توسعه از فقر تا ثروت ملل**. ترجمه تقی آزاد ارملی، تهران: نی.